

ک ۱۳۰۰
رمضان المبارک

مرکز



قیمت نسخہ کفران سالیانیکومان و دیگر نسخا

این روزنامه شریفه ہی کنیمہ طبع میر



علیخیرت و شوکت الکساندر سوم امپراطور اعظم کل ممالک روسیہ

علیحضرت قوشوکت الکاندراکساندیر وچ سوم امپراطور اعظم کل ممالک ویتیه در رویت ششم فوریه سال کنیا وچل وچ می
 مطابق ۱۸۳۵ هجری قمری پطرزبورغ متولد شد و چون علیحضرت امپراطور اعظم دوم پسر مرحوم امپراطور الکاندرا دوم بودند و ولایت
 سلطنت سماحق پسر اول برادر ارشد مرحوم نیکلا الکاندیر وچ و فرج و بیعت و بیعت بود علیحضرت امپراطور
 و هوای سلطنت بالاستقلال بودند بعد حکم قضا و قضای نیکلا الکاندیر وچ فوت شد ولایت عهد دو تبهیه روس با
 معظم تعلق یافت و بیست و ششم اکتبر سال هزار و هشتصد و شصت و شش هجری مطابق ۱۸۸۲ هجری علیحضرت مارنی اختر علیحضرت
 کریستیان نهم پادشاه دانمارک را بعد فرود آمدن او در نزد و بزرگ و بیعت بی واسطه حسن اخلاق و لطف اطوار و بجا آمدن
 و سماحت طبعی از اعلیحضرت ایشان مشاهده میشد قلوب عامه ملت بطرف ایشان مجذوب و مایل گردیدند و جان بقا طاعت و ارادت
 ایشان بگردن نهادن این افضیاد و اطاعت ملت بعد از جنگ آخری با دولت عثمانی استحکام و رسوخی کامل حاصل نمودند و در
 ریاست ادوی نظامی که در روسیه با قشون عثمانی محاربه می نمودند و بعد از آن مقام مهم حربیه بعد از کفایت شخص اعلیحضرت معظم که در آن وقت
 مقام و بیعتی اشد منفوخ بود و در آن جنگ از تداوم صیبه حربیه و حفظ قواعد نظامی و ادب و مجاربت و شکرگشایی و غیرت
 و شجاعت و رشادت شخصی از اعلیحضرت امپراطوری و زکر و همه نوکر سپاهی صاحب منصبان نظامی حیرت و تعجب کرد و اسباب و
 قلبی خرسندگی خاطر امپراطور مرحوم و موجب تکمیل عقیدت و خلوص نیت قاطبه نوکر و رعیت نسبت به اعلیحضرت ایشان گردید و بجله
 در سیزدهم ماه مارس سال هزار و هشتصد و شصت و دو یک مسیحی مطابق ۱۸۸۱ هجری که حادثه ملال انجیر قتل و جلالت امپراطور مرحوم لکن
 دوم زخمی و اعلیحضرت معظم له بر سر سلطنت رو شد و امپراطوری کل ممالک ویتیه جلوس فرمودند و خبریکه اعلیحضرت ایشان از آن
 مصیبت عظمی تسلیت داد فقط خلوص نیت و وفور ارادت عموم ملت و کافر رعیت بود که بدان اطمینان و استظهار بتوانند مبالغه
 مستحکم امپراطور مرحوم را در کلیه امور ملک و ملت پایان سازند و مقاصد عالیله فرج و در مواقع مصالح دین و تصحیر
 و از بد جلوس بر سر ملک بخت و نیت اعلیحضرت معظم له بکاره مصرف و متوجه حراست مملکت و حفظ مصالح دولت و تهتد حیات
 آسایش و بهبودی حال رعیت و شاعر عدل و بطن خیر و ثلث نصاب و رفع اعتداف از تمام اصقاع مملکت گردیده و دلیل متعین
 و بدان دین صدق منعی این مفیده است که از جانب اولیای دولت فخریه در تهنیت امور و ترفیه حال کافر رعیت تخفیف سوگند است

و منع واردات و رفع صادرات و قتی تاکنون عمل آمده است چنانکه در این جشن تا جگه که در این سال فرخنده فال در ماه که شطاب شهر است
 بجز می شهر که اتفاق افتاد و معادل ده که در تومان مخارج این جشن برک شد و شانه و کابین برک و سفرای کبیر فون العاده ایما
 دول متحابه برای تبریک تا جگه در می موقع این جشن حاضر شدند که تاکنون جشنی این فرود شکوه و شوکت و عظمت از روی تحقیق و تصدیق پیش



نواب رکن الدوله

ندیده کوشی شنیده بودی حضرت امیر طوری بگزاره این موجب بزرگ الهی و اقتصادی ملکه سخا و عفو و رفت معادل پانزده که در تومان ای
 مالیاتی ابریت تخفیف دادند و جمعی از متصرفین که در حساب و دفعه و اغماض فرموده هرخص کند و علاوه بر این ارف و الطاف عمومی در
 احاد و افراد خضار مجلس که چندین هزار نفر و نذر بزرگ و کوچک و وضع و شریف بفرخور شنوات و مراتب بدل عطا و مواب و عطا
 حامیل و نشان بدل و دیگر امتیازات شایان فرموده بر مراتب امید و می شکر گذاری دعا کونی و خلوص نیت و صفای عقیدت استظهار

قلب دستر خاطر نوکر و رعیت حاضر و با دی و دار و قاطن افسز و دند

نواب رکن الدوله

نواب رکن الدوله محمد علی میرزا که از اخوان عظیم الشان علیحضرت آقا حسین شاهنشاهی ام سلطان و از شاهزادگان کامل اللیاءه خانواده سلطنت
 عظمی هستند زبد و عسر ظل عنایت خاص و کف مرحمت مخصوصین شاهنشاهی با مقتضیات سیاست و لیاقت ذاتی و جلالت و نباهت و جلال
 یاقه تاج هر وجود و لایسان بحال تربیت و محاسن سن و آداب سیاست و رسوم و ولایت انواع مزایا و افتخاراتی بسیار یافت سال
 بر رود و دست و مشا و در حالی که بحکومت ختم منصوب و در بیعت جلیل رکن الدوله که از القاب رکن دولت لقب کرده بود و از آن
 اکنون بحکومت یکی از ایالات بزرگ ممالک محرمه منصوب و اینک قریب هفت سال است که بحکومت و فرمانروایی مملکت خراسان و سیستان
 و سیوه محاسن حکمرانی و مراتب کاردانی و قاطن مملکت داری و حقایق حدت گذارنی انمغظم و پیشگاه نظر انور و یون یاری با تو اتر و قایغ و اخبار
 و شهادت نتایج و آثار مشهود و علامات خوشنودی و رضای خاطر سیون ابدل مرحم و الطاف کونا کون کا نه دلیل و شاهد است

بقیه زبانه سفر و خند و از شاهنشاه اقبال پناه ابدانته دولت بهما رستاق

در قسیم پمین اه خوبی است از رودخانه گذشته رفتم بجهت ماشای به نارساق باید از یکمیدان سب از بخله که میرود اگر جاده ساخته شود
 با اسب نمیشد رفت بعد بوسعت که رسید بخا پل سپر حاجی غلام رضای آجر آملی ساخته است این حاجی غلام رضا شخصی بسیار متمول و صاحب
 معتبر است از رودخانه گذشته رفتم بوسعت فضائی از زیاد تر شد و رودخانه بدست است افتاد طرفین راه که کوههای بلند سنگی و خاکی در
 رفتم تا بده نما که انالی مشا اول انجا بیلاق می آیند مردمان معروف معتبر در مثل همین حاجی غلام رضا حاجی عباس تا جبر و غیره بعضی
 در حتما چکنی از تو خانی نهائی ه پید بود و تمام هم دارد حاجی خانجان نامی از اهل مشا دیده شد مردش سفید کوشن رکن عمرت صد سال تمام
 دارد اما با خلی زنگ و با پوشش است اخلاصه بعد رفتم سمت از خلی پمین از ده آقا بگردان و ندانجام شده است اول غار دره می هم
 بالای راست که آبادی دیگر از انجا پید بود و همش در پوران پمین هم آبادی دیگر بود که کرا محله اس غنیتند زراعت خوبی دارند زراعت اینجا

هنوز نسبت عصری مراجعت بمنزل کردیم از راهی دیر و زیاده لارفته بودیم

روز سه شنبه در منزل اندیم حاجی رفتم مشغول خواندن و مطالعه و شجاعت و لوی غیره بودیم بقیه در زبانه آتیه
 محمد علی میرزا